



## راهنمایی و مشاوره در دیدگاه حضرت علی(ع) با استناد به نهج البلاغه

سیدحسین واعظی<sup>۱\*</sup>، علی اکبر یزدانی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۸/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۰۲

### چکیده

نهج البلاغه هادی سعادت دنیوی و اخروی بشر در زمینه‌های مختلف فردی و اجتماعی از جمله مشاوره و راهنمایی است. هدف در این نوشتار بیان جایگاه مشورت و راهنمایی در زندگی اجتماعی با استناد به نهج البلاغه است. یافته‌های این نوشتار به روش تحقیق کیفی؛ و در محورهای: ارزش و جایگاه مشورت در جهان بینی امام علی(ع)، شیوه‌های مشورت کردن و مواد آموزشی و هدف مشاوره و راهنمایی از دیدگاه امام علی(ع) تبیین شده است. با توجه به اینکه جهت انجام مشاوره موفق باید با فرهنگ آن جامعه آشنا بود؛ لذا برای آشنایی با فرهنگ یک جامعه باید با دین و مذهب آن جامعه مرتبط شده تا به نتیجه موفق رسید. همچنین لازم به یاد آوری است که دین، مخصوصا اسلام، عامل سعادت و هدایت بوده و مشاوره ای که بر اساس اصول و موازین اسلامی باشد، بهترین مشاوره خواهد بود، زیرا تمام اصول و قوانین این فن را می‌توان در تعالیم دینی از جمله در سخنان امام علی(ع) یافت.

**کلید واژه‌ها:** اصول راهنمایی، مشاور، مراجع، نهج البلاغه

۱. استادیار گروه هیات دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)

۲. کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)

## ۱. مقدمه

انسان موجودی پویاست که میل به تحول و حرکت جزء ذات او می‌باشد و اگر این تحول و حرکت در مسیر خود به طرز صحیح هدایت نشود به گمراهی و بیراهه‌هایی خواهد رسید و آن‌گونه که باید و شاید نمی‌توان رشد و تعالی پیدا کند؛ لذا بعید به نظر می‌رسد خداوند موجودی بیافریند، به نام انسان و نیرویی به نام اراده و اختیار به او دهد و از آن در جهت به حرکت در آمدن، راهنمای حرکت و مقصد و هدف حرکت استفاده نشود، اگر چنین برداشتی درست باشد در نتیجه آفرینش بیهوده و باطل بوده و فعل بیهوده و عبث از ذات خداوند تبارک و تعالی دور است. قرآن، کتاب هدایت انسان‌ها و راهنمای عمل آدمیان می‌فرماید: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (المؤمنون/۱۱۵) «آیا چنین پنداشدید که ما شما را به عبث و بازیچه آفریده ایم و هرگز به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید».

امروزه پیشرفت علم و دانش بشر و تغییر و تطوراتی که در جوامع بشری رخ داده و باعث شده نظام‌های قدیم دگرگون شده به‌جای آن نظام‌های جدید با مسائل و مشکلات پیچیده‌تری جایگزین شود. این مشکلات و مسائل به‌حدی پیچیده و گاه خارج از ادراک هستند که شخص به تنهایی قادر به حل آنها نمی‌باشد. بنابر این نیازمند به مشاوره دانا و آگاه که هم به دین و هم به علم روز آگاهی داشته باشد احساس می‌شود. بیانات متعددی از علی (ع) در نهج‌البلاغه به این عامل مؤثر اختصاص یافته است از جمله ایشان (ع) در این زمینه بیان داشته: «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ، وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عَقُولِهَا» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۶۱) هرکس خود رأی شد به هلاکت رسید و هر کس با دیگران مشورت کرد در عقولهای آنها شریک شد. نیز ایشان (ع) بیان داشته: «لَا مُظَاهَرَةَ أَوْتَقَى مِنْ مُشَاوَرَةٍ» (کمپانی، ۱۳۶۲: ۴۲۹). «هیچ یاری و پشتیبانی استوارتر از مشورت کردن نیست» و هر انسان خردمندی حقیقت بیاز به مشورت را دریافته و خود را از آن بی‌نیاز نمی‌بیند «لَا يَسْتَعْنِي الْعَاقِلُ عَنِ الْمُشَاوَرَةِ» (کمپانی، ۱۳۶۲: ۴۲۹) «هیچ خردمندی از مشورت دیگران بی‌نیاز نمی‌شود».

با توجه به این که یکی از بزرگ‌ترین افتخارات ما مسلمان بودن است؛ لازم می‌باشد که تمام زمینه‌های فردی و اجتماعی ما نیز رنگ مسلمانی داشته باشد تا آنچه که ادعا می‌شود در مرحله عمل نیز مشهود باشد. بنابراین لازم است الگویی همه جانبه را در نظر گرفت، که به زندگی رنگ و بوی الهی بخشد. یکی از این الگوها امام علی (ع) و یکی از این منابع برای شناخت این الگو کتاب شریف نهج‌البلاغه است که برخی از سخنان آن امام بزرگوار در آن جمع آوری شده است. یکی از رفتارهای امام علی (ع) مشورت در اکثر امور زندگی بوده است. ایشان در امر سیاست، جنگ، زندگی و ... با اشخاص صالح زمان خود ابتدا مشورت و سپس تصمیم مناسب را اتخاذ می‌نمود.

قرآن کریم نیز در موارد متعددی امر به مشورت نموده است: خداوند در قرآن کریم به پیامبر (ص) فرموده: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ

لَهُمْ وَ شَاوِرُهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران/۱۵۹). «به مرحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو و سخت دل بودی مردم از گرد تو متفرق می شدند، پس از (بدی) آنان درگذر و برای آنها طلب آموزش کن و (برای دلجویی آنها) در کار (جنگ) با آنها مشورت نما، لیکن آنچه تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده، که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند دوست دارد».

با توجه به اینکه در جوامع امروزی کسی توانایی انجام امور را به تنهایی ندارد. پس مشورت در این جامعه امری مهم و ضروری می باشد. زیرا با تخصصی شدن امور لازم است در هر زمینه ای با شخص صالح و آگاه در آن زمینه مشورت نموده و بر خود نیز لازم کند که امر مشورت و راهنمایی و مشاوره را به بهترین نحو به مرحله اجرا در آورد. در این میان بهره برداری از سخنان امام علی (ع) که الگویی نظری و عملی در مشاوره است، بهترین هدیای تکریم می باشد.

## ۲. بحث و بررسی

### ۲-۱. مفهوم مشاوره از دیدگاه نهج البلاغه

ماهیت و طبیعت انسان و نحوه تغییر رفتار او نیاز به مشاوره را در شکل های مختلف ایجاد می کند. از مباحث اساسی این نظریه ها، بررسی میزان نقش انسان در برابر عوامل فیزیکی، روانی و اجتماعی و خانوادگی و علل رفتارهای نابهنجار و تحلیل مبادی فعل و رفتار آدمی است. بورکس<sup>۱</sup> و استفلر<sup>۲</sup> (۱۹۷۹) معتقد بودند که یک نظریه مشاوره باید شامل عناصر واقعی زیر باشد:

الف. مفروضاتی درباره ی طبیعت یا ماهیت انسان.

ب. اعتقاد در مورد تغییر رفتار و یادگیری.

ج. تعهد نسبت به اهداف بیان شده مشاوره.

د. تعریف نقش و کارکرد مشاوره.

بر اساس اینکه دین، معمولاً تعیین کننده فرهنگ یک جامعه است. مشاوران نیز باید بر مبنای فرهنگ جامعه اقدام به مشاوره نمایند؛ لذا اگر مبانی مشاوره را کسانی که دارای دینی متفاوت با فرهنگ آن جامعه هستند، نوشته باشند، ممکن است در نحوه و روش مشاوره به مشکلات جدی برخورد نمایند. مثلاً در دین اسلام محدودیت هایی بین روابط بین زن و مرد وجود دارد که برخی از این محدودیت ها در غرب وجود ندارد. حال مشاوره ای که با فرهنگ غربی بزرگ شده و با فرهنگ اسلامی آشنایی ندارد، در برخی از روش های مشاوره اش در جامعه اسلامی به مشکل برخورد می کند.

1. Bourex

2. Astflr

بنابراین مشاور باید هنگام مشاوره علاوه بر تئوری‌ها و اصول علمی مورد نظرش، فرهنگ و جامعه ای را که در آن به مشاوره می‌پردازد نیز در نظر بگیرد. البته برخی معتقدند که دین تنها برای سعادت اخروی بکار می‌رود و در علوم روز از جمله مشاوره کاربردی ندارد؛ اما در بررسی اندیشه‌های منتخب از نهج البلاغه مشاهده شد که دین با ظرافت هر چه تمام تر سعی بر بیان مشاوره‌ای کامل و جامع دارد.

## ۲-۲. مورد مشورت کجا است؟

زمانی از مشورت استفاده می‌شود که در مسأله‌ای دچار ابهام یا شک شده و نتوان راه درست را به وضوح تشخیص داد. در واقع در چنین شرایطی فرد مشورت‌گر دچار نوعی ترس یا دگرگونی شده و می‌خواهد توسط تجربه یا معلومات دیگران این حالت را به حداقل رساند. البته در حالی که مسأله کاملاً واضح باشد فرد نیازی به استفاده تجربیات دیگران نمی‌بیند.

خداوند در قرآن مجید، حدود مشورت را به روشن‌ترین وجه بیان نموده و می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا» (الحزاب/۳۶). «و هیچ مرد و زن مؤمنی را در کاری که خدا و رسول حکم کنند اراده و اختیاری نیست (که رأی خلافی اظهار نمایند) و هر کس نافرمانی خدا و رسول او کند دانسته به گمراهی سختی افتاده است».

بر این اساس هرگاه خدا و پیامبر نظر قاطع دادند، جای مشورت و شورائی نمی‌ماند و هرگز بر مردم درست نیست که حکم الهی را کنار بگذارند و دانش و بینش خود را روی هم بریزند و به دنبال راه حلی برای مسئله ای که حکم قطعی آن از طرف خداوند صادر شده بگردند. زیرا پیش از آنان، خداوند و پیامبر وی، که عالم به ظاهر و باطن امور هستند، در این باره نظر داده اند. لذا وظیفه مسلمانان این است؛ در مسائلی که خداوند و یا پیامبر نظر داده اند، نظر آنها را به عنوان حجتی بر خود بپذیرند و دیگر آن را به مشورت نگذارند.

## ۳. جایگاه مشاوره و راهنمایی در منظر امام علی(ع)

مشورت امری همگانی و مربوط به همه ی امور کوچک و بزرگ است، هر مدیر یا رهبر گروهی نیز برای تصمیم‌گیری‌های خود به مشورت با دیگران و نظر خواهی از آنان نیاز دارد. عموم مردم نیز در کارهای فردی و اجتماعی خود نیازمند هم فکری دیگران هستند. در این خصوص امام علی(ع) فرموده: «من استبد بر ایه هلك، و من شاور الرجال شاركها في عقولها» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱) «هرکس خود رأی شد به هلاکت رسید؛ و هر کس با دیگران مشورت کرد، در عقل آنها شریک شد».

این بخش از نوشتار در صدد است جایگاه مشاوره و راهنمایی را از منظر امام علی(ع) بیان کند. همان گونه که در حکمت بالا مشاهده شد، مشورت در نگاه امام علی(ع) هدایتگر بوده و مشورت با افراد

متخصص را مانع گمراهی می‌داند. ایشان(ع) در این رابطه می‌فرمایند: «مَنْ اسْتَعَانَ بِذَوِي الْأَبَابِ سَلَكَ سَبِيلَ الرَّشَادِ» (کمپانی، ۱۳۶۲: ۴۲۹). «هر که از طریق مشورت از خردمندان یاری جوید راه هدایت و راست را بییماید».

#### ۴. هدف‌های مشاوره و راهنمایی از دیدگاه امام علی(ع)

مشورت فواید و آثار بسیاری از خود به‌جای می‌گذارد که از آن جمله می‌توان به افزایش قدرت فکر، افزایش تجربه، کاهش اضطراب و ... اشاره نمود که این اهداف برای انسان‌های عادی می‌باشد. مشورت پیامبر(ص) و سایر معصومین با دیگران به‌خاطر اهدافی خاص صورت می‌گرفت که بعضی از مهم‌ترین این هدف‌ها عبارتند از: مشورت برای تحقق شخصیت امت، آزمودن مشورت‌کنندگان، حمایت و تأیید مردم، ایجاد رشد فکری مردم، تفهیم اینکه حکومت ایشان استبدادی نبوده و به نظریات مردم احترام گذاشته می‌شود، ممانعت از اینکه در صورت شکست انتقاد نکنند و تعلیم این که نظرخواهی از دیگران عیب و عار نیست. (حسینی‌بیرجندی، ۱۳۸۵: ۲۸-۲۹).

آن‌چه اشاره شد بعضی اهداف مشاوره توسط ائمه و معصومین(ع) بود. اما برای سایر افراد مشاوره با اهداف دیگری نیز می‌تواند صورت‌پذیر باشد. برخی از مهم‌ترین این اهداف را می‌توان به‌صورت زیر بیان کرد:

##### ۱-۴. مشورت مایه رشد و اصلاح

در نگاه امام علی(ع) استفاده از آراء دیگران در بهبود و رشد اعمال و افکار هر دو طرف بسیار مورد اهمیت است به طوری که اگر مراجع از مشاور در موردی آگاهی بیشتری داشته باشد. بعد از مشورت علم مشاور افزایش یافته و اگر مشاور از مراجع عالم‌تر باشد علم مراجع افزایش می‌یابد. آنچنان که در کلام منسوب به ایشان آمده است: «خَيْرٌ مَنْ شَاوَرْتَ ذُوَ النَّهْيِ وَالْعِلْمِ وَأَوْلُوهُ التَّجَارِبُ وَالْحَزْمُ» (کمپانی، ۱۳۶۲: ۴۲۶) «بهترین مشاورین تو، خردمندان و اهل دانش و صاحبان تجربه و دوراندیشان هستند».

##### ۲-۴. مشورت بهترین پشتیبان و کاهش دهنده اضطراب

عامل اصلی اضطراب شکی است که در فرد ایجاد شده و به‌دنبال آن، فرد خود را ناتوان‌تر از آن می‌بیند که رهایی پیدا کنند. مشاور با ارائه راه‌کارهایی مراجع را برای درک توانایی‌های ذهنی‌اش یاری می‌دهد. بدین ترتیب مراجع که با مشاهده و به‌کارگیری توانایی‌هایش آرامش یافته و خود را در حل مشکلات توانا می‌بیند در نتیجه حاصل آن کاهش اضطراب و ایجاد آرامش برای وی خواهد بود. امام علی(ع) هیچ حامی و پشتیبانی را برای اداره امور چون مشورت نمی‌دانست و در این خصوص فرموده است: «وَلَا مُطَاهَرَةً أَوْ تَقِيَّةً مِنْ مُشَاوَرَةٍ» (کمپانی، ۱۳۶۲: ۴۲۹). «هیچ یاری و پشتیبانی محکم‌تر از مشورت نیست». و هر انسان خردمندی این حقیقت را دریافته و خود را از آن بی‌نیاز نمی‌بیند. ایشان در این خصوص می‌فرمایند:

«لَا يَسْتَعْنِي الْعَاقِلُ عَنِ الْمَشَاوِرَةِ» (کمپانی، ۱۳۶۲: ۴۲۹). «شخص خردمند از مشاوره دیگران بی نیاز نباشد».

### ۳-۴. عدم پشیمانی

چنانچه مشورت بر طبق اصول و قوانین اسلامی انجام گیرد و در این راه از صاحبان عقل و خرد، نه با هر شخصی مشورت نمود، از هلاکت و پشیمانی در امان است. امام علی (ع) مشورت با صالحان را نوعی وظیفه می‌داند، زیرا باعث آرامش فردی می‌شود؛ هر چند موفقیت هم نصیب نشود، چون او مشورت کرده لذا در آتش پشیمانی نخواهد سوخت. به بیانی دیگر مشورت کننده پشیمان نمی‌شود زیرا به وظیفه اش عمل کرده و در این راه کوتاهی نکرده و آنچه را که برای ایمن بودن از اشتباه در توان داشته بکار بسته است. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵، ۱۳۶۲: ۵۷۵). «شَاوِرِ ذَوِي الْعُقُولِ تَأْمِنِ الزَّلَّالَ وَالنَّدَمَ». (کمپانی، ۱۳۶۲: ۴۲۷) «با صاحبان عقل‌هاست مشورت کنند تا از لغزش و پشیمانی ایمن گردند».

### ۴-۴. دوری از استبداد و خودرأیی

در اسلام به مشورت برای جلوگیری از استبداد و خود رأیی و دست یافتن به تجارب و افکار و اندیشه‌های دیگران نیز سفارش شده است. در این رابطه امام علی (ع) فرموده است: «مَنْ اسْتَعَانَ بِذَوِي الْأَلْبَابِ سَلَكَ سَبِيلَ الرَّشَادِ» (کمپانی، ۱۳۶۲: ۴۲۹). «هر که از طریق مشورت از خردمندان یاری جوید راه هدایت و درست را بیمایید».

### ۵-۴. اداره بهتر امور جامعه

امام علی (ع) یکی از راه‌های برپا داشتن بهتر امور جامعه و نیز اصلاح را در این می‌دانست که حکام نظر مشورتی خبرگان و اندیشمندان جامعه را در نظر بگیرند، ایشان (ع) فرموده: «وَأَكْثَرُ مَدَارِسَةِ الْعُلَمَاءِ وَ مَنَاقِشَةِ الْحُكَمَاءِ فِي تَثْبِيتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرٌ بِإِدْرَاكِ وَ إِقَامَةِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ». (الشریف الرضی، ۱۳۸۷ ق: ۴۳۱) «در جهت استحکام و استوار ساختن اصول و پایه‌ها و روش‌های اصلاحی کشورداری و برپا داشتن اصولی که ملت‌های گذشته بر آن‌ها تکیه نموده، با دانشمندان و اندیشمندان نظرخواهی و مشورت کن». انسان خردمند مدیریتی خردمندانه دارد و از نشانه‌های مدیریت خردمندانه مشورت کردن است، یعنی انسان‌های خردمند آرای صاحب نظران را برای خود می‌افزایند و از خرد دیگران برای تصمیم‌گیری به درستی بهره می‌گیرند.

### ۶-۴. افزایش دور اندیشی

طبق سخنان امام علی (ع) یکی از ثمرات و اهداف مشاوره افزایش قدرت دوراندیشی است که موجب افزایش اعتماد به نفس خواهد شد. «علیک بالمشاورة فانها نتیجه الحزم» (کمپانی، ۱۳۶۲: ۴۲۷). «ملازم مشاورت با دیگران باش که آن نتیجه حزم و دوراندیشی است».

#### ۷-۴. استفاده از تجربیات دیگران

امروزه با توجه به پیچیدگی‌هایی که در زندگی افراد رخ داده و زندگی‌ها از حالت ساده به ماشینی تبدیل شده است، هر کسی آن قدر فرصت ندارد تا هر آن چه را که می‌خواهد خود تجربه نماید؛ بنابراین باید از تجربیات دیگران نیز استفاده نماید. از نظر امام علی(ع) این نکته یک اصل کلی بوده و بیان داشته: «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱). «هرکس مستبد به رأی خود باشد هلاک می‌شود و هرکس با دیگران مشورت و همفکری کند در عقل و تجربه با آن‌ها شریک می‌گردد».

#### ۸-۴. شرایط مشاور و مشورت از دیدگاه امام علی(ع)

امام علی(ع) در نهج البلاغه قبل از این که به مشورت و مشاوره امر کند، ابتدا شرایطی را برای مشاور بیان داشته که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

#### ۵. با چه کسانی مشورت کنیم:

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در یک مشاور لازم است تا شرایط مشورت با او مهیا باشد. الف. عاقل باشد: امام علی(ع) مشورت با عاقلان و دانشمندان را نوعی وظیفه می‌داند زیرا باعث ایجاد آرامش در فرد می‌شود. حتی اگر حاصل این مشورت موفقیت نباشد، چون پس از آن فرد مشورت کرده در آتش پشیمانی نمی‌سوزد (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۳۸). «مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْأَنْهِي وَالْأَلْبَابِ فَازَ بِالنَّجْحِ وَالصَّوَابِ» (کمپانی، ۱۳۶۲: ۴۲۷). «هر که با صاحبان عقل و خرد مشاورت کند، به موفقیت و صواب پیروز گردد».

ب. متدین و خدا ترس باشد: حضرت علی(ع) می‌فرماید: «شَاوِرِ فِي أُمُورِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ تَرْتُدُّ» (کمپانی ۱۳۶۲: ۴۲۷) «در کارهایت با کسانی که از خدا می‌ترسند مشاورت کن تا هدایت شوی». ج. رازدار و امانت دار باشد: حضرت علی(ع) می‌فرماید: «الْكَيْفِيَّةُ مِلَاكُ النَّجْوَى». (تمیمی آمدی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۰۹). «رازداری پایه و زیربنای راز سپردن است». اگر مشاور راز نگه دار نباشد هیچ کسی برای مشاوره به او رجوع نخواهد کرد.

د. اهل عمل باشد: در زندگی انسان با توجه به اینکه هر فرد احساسات درونی و هیجانی دارد و پیوسته انسان را تسخیر کرده و در بند می‌کشاند؛ پس باید تعقل کرد- هر چند تعقلی معمولی- و کم کم در این امور استعدادها را به فعلیت رسانید که لازمه‌ی این کار بیداری و به‌کار انداختن تعقل و تحریک عاقلانه احساسات می‌باشد. ایشان در خطبه (۹) نهج البلاغه بیان داشته‌اند: «وَقَدْ أَرَعَدُوا وَأَبْرَقُوا وَمَعَ هَذَيْنِ الْأُمْرَيْنِ الْفَشْلُ وَلَسْنَا نُرْعِدُ حَتَّى نُوَقِّعَ، وَلَا نُسِيلُ حَتَّى نُمْطِرَ» (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۹) «چون رعد خروشید و چون برق درخشید، اما کاری از پیش نبرد و سرانجام سست گردید. ولی ما این گونه نیستیم،

تا عمل نکنیم، رعد و برق نداریم و تا نباریم سیل جاری نمی‌سازیم». پس باطل، رعد و برق دارد ولی مقاومت ندارد، به جای زیاد گفتن و حرف زدن باید زیاد کار کرده و عمل نماییم (جعفری، ج ۳، ۱۳۵۸: ۱۷۹-۱۸۳).

ه. تواضع داشته باشد: مشورت‌دهنده اگر اهل تواضع باشد، در صدد تحقیر مشورت شونده نبوده بلکه با تواضع و فروتنی اعتماد او را جلب نموده و به دنبال آن می‌تواند اثربخشی خوبی داشته باشد. در این خصوص امام علی(ع) بیان داشته‌اند: «بِكَثْرَةِ التَّوَّاضِعِ يَتَكَامَلُ الشَّرْفُ». (کمپانی، ۱۳۶۲: ۱۹۴). «به زیادی تواضع و فروتنی، شرف انسانی تکامل پیدا می‌کند».

و. با حیا بودن: شخص با حیا به خاطر آن که خدا و عظمت او را در کارها ناظر می‌بیند، سعی می‌کند به بهترین شکل کار خود را انجام داده و در وظیفه‌اش که همان مشاوره است کوتاهی نکند. امام علی(ع) در این خصوص بیان داشته‌اند: «الْحَيَاءُ مِنَ اللَّهِ يَمْحُو كَثِيرًا مِنَ الْخَطَايَا» (کمپانی، ۱۳۶۲: ۱۵۹) «حیا و شرم از خداوند، بسیاری از گناهان و خطاها را از بین می‌برد».

ز. مهربانی و صمیمیت: کسی که مهربان باشد با مراجع به راحتی ارتباط برقرار کرده و مراجع احساس آرامش می‌کند و می‌تواند به راحتی آن‌چه را می‌خواهد بیان کند. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «مُشَاوَرَةُ الْحَازِمِ الْمُشْفِقِ ظَفْرٌ» (کمپانی، ۱۳۶۲: ۴۲۸). «با دوست مهربان دوران‌دیش مشورت کن، که پیروزی می‌آورد».

ح. دوران‌دیشی: در کارهای مهم زندگی با افرادی که بینش عمیق و دوران‌دیشی ندارند نمی‌توان مشورت کرد، زیرا به دلیل کوتاهی دید آنها قادر به ارائه افق‌های دور دست در زندگی نمی‌باشند. حضرت علی(ع) در این باره می‌فرماید: «الظفر بالحزم و الحزم باجالة الرأي» (شری‌رضی، ۱۳۸۷ ق: ۴۷۷) «پیروزی به دوران‌دیشی است و دوران‌دیشی به رأی آزمایی».

ط. عالم و دانشمند: مشورت با دانشمند صالح باعث پیشرفت در امور خواهد شد، زیرا معمولاً وقتی مشورت انجام می‌گیرد که انسان در موردی خاص دچار ابهام شده باشد، لذا در این خصوص کسی که تخصص داشته و دانشمند باشد بهترین راهنما خواهد بود. امام علی(ع) می‌فرماید: «مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْعُقُولِ اسْتَضَاءَ بِانْوَارِ الْعُقُولِ» (کمپانی، ۱۳۶۲: ۴۲۷). «هر کس با خردمندان مشورت کند از انوار چراغ عقل‌ها روشنی جوید».

در انتهای این قسمت لازم به ذکر است که داشتن هر کدام از موارد مذکور به تنهایی برای تحقق مشاوره کافی نمی‌باشد، بلکه اگر مشورت‌دهنده در برگیرنده همه امور مثبت و فاقد همه امور منفی باشد، بهترین مشاوره صورت خواهد پذیرفت. مثلاً مشاور دانشمندی که با حیا نباشد در این کار به درستی نمی‌تواند عمل کند.



## ۹. با چه کسانی مشورت نکنیم

الف. بخیل: اگر فردی بخیل است به خاطر بدگمانی به خداست زیرا اگر بخیل از انفاق مناسب خودداری می‌کند، برای این است که تصور می‌کند در اثر انفاق، ممکن است دارایی خود را از دست دهد و سرانجام در سختی و فشار قرار گیرد. این فرد نمی‌داند که خداوند روزی‌دهنده او و تمام انسان‌ها بلکه تمام جانداران است. امام(ع) می‌فرماید: «لَا تُدْخَلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا فَيَعْدِلَ بِكَ عَنِ الْقَصْدِ وَ يَعِدَّكَ الْفَقْرَ» (کمپانی، ۱۳۶۲: ۴۲۸). «بخیل را در مشورت خود داخل مکن که تو را از مقصودت برگرداند و فقر را به تو وعده می‌دهد».

ب. ترسو: خداوند از انسان‌ها می‌خواهد کاری را برای رضای او انجام دهند و در این راه از کسی یا چیزی نترسند و بر خدا توکل کنند. امام علی(ع) می‌فرماید: «لَا تُشْرِكَنَّ فِي رَأْيِكَ جَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ، وَ يُعْظِمُ عَلَيْكَ مَا لَيْسَ بِهِ عَظِيمٌ» (کمپانی، ۱۳۶۲: ۴۲۸). «نیز با اشخاص ترسو مشورت مکن زیرا تو را از انجام کارها ناتوان سازد و آن چه بزرگ و مهم نیست برای تو بزرگ جلوه دهد».

ج. آزمند: مشورت با «طماع» و «آزمند» هوس جمع آوری مال دنیا را در انسان زنده می‌کند و هدف از جمع‌آوری مال دنیا نیز بیانگر عدم اعتماد به خداوند است، زیرا آنان فکر می‌کنند ممکن است روزی فقیر شوند بنابراین شروع به جمع‌آوری مال می‌نماید. در این مورد ایشان می‌فرمایند «الْحَرِيصُ فَقِيرٌ وَ لَوْ مَلَكَ الدُّنْيَا بِحِذَائِهَا» (کمپانی، ۱۳۶۲: ۲۷۹): «آزمند همیشه فقیر است، هر چند تمام دنیا را مالک شود».

د. خودرایی: با توجه به وضوح این که مشورت فواید بسیاری برای مشاور و مراجع به همراه دارد، پس کسی که خودرایی باشد و نتواند با دیگران مشورت کند از تمام فواید آن بی‌بهره خواهد بود. در این رابطه امام علی(ع) فرموده‌اند: «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ، وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عَقُولِهَا». (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱) «هر کس خودرایی کند هلاک گردد و هر کس با مردمان مشورت کند در عقل آن‌ها شریک شود».

ه. دروغگو: امام علی(ع) فرموده اند: «الْإِيمَانُ أَنْ تُؤَيِّرَ الصَّدَقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ». (نهج البلاغه، حکمت ۴۵۸) «از نشانه‌های ایمان این است که راست‌گویی را هر چند به زیان تو باشد، بر دروغ‌گویی گر چه به سود تو باشد ترجیح دهی». فرد دروغگو نمی‌تواند حقیقت را بیان کند و این پنهان کاری و عدم بیان آن در مراجع احساس تنفر از مشاور را ایجاد می‌کند.

و. لجوج: معمولاً فرد لجوج در کاری که نباید بیش از حد اصرار می‌ورزد گاهی اوقات این اصرار زیاد موجب ایجاد فتنه و کینه و حتی درگیری می‌شود و مردم در معاشرت‌هایشان سعی می‌کنند با چنین افرادی هم‌نشینی نداشته باشند که این خود موجب ایجاد تنهایی و افسردگی در فرد نیز می‌شود.

(الحرانی، ۱۳۶۶، ۵۶۰) امام علی(ع) در این خصوص می‌فرماید: «الافراطُ فی المَلامَةِ یَشُبُّ نارَ اللِّجَاجِ» (کمپانی، ۱۳۶۲: ۲۳۶). «زیاده‌روی در سرزنش کردن، آتش لجاجت را شعله‌ور می‌سازد».

ز. نادان: نادان در اثر مشاوره دادن، افراد را نیز گمراه می‌کند و ناخواسته ممکن است ضررهای جبران ناپذیری را در مراجع یا حتی در جامعه ایجاد کند. امام علی(ع) در سخنانی به فرزندشان می‌فرماید: «یا بُنِیَّ، إِيَّاكَ وَ مُصَادِقَةَ الْأَحْمَقِ، فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۸). «پسرم از دوستی با احمق و نادان به پرهیز، چرا که می‌خواهد به تو نفعی رساند اما دچار زیان‌ت می‌کند».

ح. افراد بد سابقه: مشورت با افراد بدسابقه موجب ایجاد هزینه‌های گزافی برای مشورت شونده خواهد شد. امام علی(ع) در نامه‌ی ۵۳ به مالک‌اشتر چنین می‌نویسد: «شَرُّ وُزَرَائِكَ مَنْ كَانَ لِأَشْرَارِ قَبْلِكَ وَزَيْرًا، وَمَنْ شَرِكُهُمْ فِي الْأَثَامِ، فَلَا يَكُونَنَّ لَكَ بَطَانَةً فَإِنَّهُمْ أَعْوَانُ الْأَثَمَةِ وَإِخْوَانُ الظُّلْمَةِ وَأَنْتَ وَاجِدٌ مِنْهُمْ خَيْرَ الْخَلْفِ مِمَّنْ لَهُ مِثْلُ آرَائِهِمْ وَتَفَادِهِمْ، وَكَيْسَ عَلَيْهِ مِثْلُ أَصَارِهِمْ. وَأَوْزَارِهِمْوَأَتَامِهِمْ، مِمَّنْ لَمْ يُعَاوَنِ ظَالِمًا عَلَیْ إِيْمِهِ، أَوْ لِيكَ أَخْفُ عَلَيْكَ مَوْوَنَةً، وَأَحْسَنُ لَكَ مَعُونَةً، وَأَخْنَى عَلَيْكَ عَطْفًا، وَأَقْلُ لِعَبْرِكَ إِفْنَاءً» (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳). «بدترین وزیران تو کسی است که پیش از تو وزیر بدکاران بوده و در گناهان آنان شرکت داشته، پس مبدا چنین افرادی محرم راز تو باشند؛ زیرا که آنان یاوران گناهکاران و یاری‌دهندگان ستمکارانند. تو باید جانشینانی بهتر از آنان داشته باشی که قدرت فکری امثال آنها را داشته اما گناهان و کردار زشت آنها را نداشته باشند؛ کسانی که ستمکاری را بر ستمی یاری نکرده و گناه کاری را در گناهی کمک نرسانده باشند. هزینه این گونه از افراد بر تو سبک تر و یاریشان بهتر و مهربانی‌شان بیشتر و دوستی آنان با غیر تو کمتر است».

### ۱۰. فنون، مواد آموزشی و روش‌های مشاوره از منظر نهج‌البلاغه

برای موفقیت در هر کاری، آگاهی به اسباب و وسایلی که بتواند سریع و آسان ما را در رسیدن به هدف یاری دهد، لازم است به عبارتی دیگر برای موفقیت در هر کاری نیازمند پیمودن مسیر صحیح در آن می‌باشد. برای دانستن این مسیر باید راه و روش‌های آن فراهم شود که اگر این ابزارها درست و به جا به کار گرفته شود، نتایج مطلوبی به همراه خواهد داشت، راهنمایی و مشاوره نیز چنین است. یک مشاور جهت انجام بهتر کار خود یا به بیانی بهتر برای آن که بتواند استعدادهای مراجع خود را جهت حل آن‌چه ذهن او را مشوش ساخته کمک کند باید از ابزار و روش‌هایی کمک گیرد. با توجه به این‌که انسان موجودی پیچیده است، هیچ‌گاه نمی‌توان روش واحدی را برای همه مراجعان به کار گرفت. اسلام با توجه به تفاوت‌های فردی و مقتضیات زمان و بر مبنای نیازهای مراجع از روش مناسب و خاص خودش استفاده می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۵۹-۱۷۶) در اینجا راجع به برخی از این روش‌هایی که مشاوران در کار خود از آن بهره می‌گیرند را به اختصار شرح داده و در کنار هر کدام نیز دیدگاه امام علی(ع) بیان گردیده است.

الف. موعظه و نصیحت: یکی از مهم‌ترین فنون مشاوره امروزی در قالب نصیحت می‌باشد که امام علی(ع) در این خصوص می‌فرماید: «مَنْ نَصَحَكَ فَقَدْ أَنْجَدَكَ» (کمپانی، ۱۳۶۲: ۴۱۴) «هرکس شما را نصیحت کند شما را یاری کرده است»؛ عناصر موعظه‌ای نهج البلاغه مختلف و متنوع است. تقوا، توکل، صبر، زهد، پرهیز از دنیاپرستی، تجمل، هوای نفس آرزوهای دراز، عصبیت، ظلم و تبعیض، و از طرفی دیگر ترغیب به استقامت، قوت، شجاعت، تفکر، تذکر، محاسبه و مراقبه، همچنین یادآوری گذران سریع عمر، یادآوری مرگ و شداید سكرات و عوالم بعد از مرگ و احوال قیامت از جمله عناصری است که در مواعظ نهج البلاغه به آن‌ها اشاره شده است (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۲۷). امام علی(ع) در نامه‌ی ۳۱ درباره‌ی نحوه موعظه چنین می‌فرماید: «لَا تَتَّخِذَنَّ عَدُوَّ صَدِيقَكَ صَدِيقًا فُتْعَادِي صَدِيقَكَ، وَأَمْحَضْ أَخَاكَ النَّصِيحَةَ، حَسَنَةً كَانَتْ أَمْ قَبِيحَةً، وَتَجَرَّعِ الْغَيْظَ فَإِنِّي لَمْ أَرْ جُرْعَةً أَهْلَى مِنْهَا غَاقِيَةً، وَلَا أَلَذَّ مَعْبَةٍ وَنَلْمَنُ غَالِظَكَ فَإِنَّهُ يُوشِكُ أَنْ يَلِينَ لَكَ، وَخُذْ عَلَيَّ عَدُوَّكَ بِالْفَضْلِ فَإِنَّهُ أَهْلَى الظُّفْرَيْنِ، وَإِنْ أَرَدْتَ قَطِيعَةَ أَخِيكَ فَاسْتَبِقْ لَهُ مِنْ نَفْسِكَ بَقِيَّةً يَرْجِعُ إِلَيْهَا إِنْ بَدَأَ لَهُ ذَلِكَ يَوْمًا مَا، وَمَنْ ظَنَّ بِكَ خَيْرًا فَصَدِّقْ ظَنَّهُ، وَلَا تُضَيِّعَنَّ حَقَّ أَخِيكَ اتِّكَالًا عَلَيَّ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ، فَإِنَّهُ لَيْسَ لَكَ بِأَخٍ مَنْ أَضَعْتَ حَقَّهُ، وَلَا يَكُنْ أَهْلُكَ أَشَقَى الْخَلْقِ بِكَ وَلَا تَرَعِبَنَّ فِيمَنْ زَهَدَ فِيكَ، وَلَا يَكُونَنَّ أَخُوكَ أَقْوَى عَلَيَّ قَطِيعَتِكَ مِنْكَ عَلَيَّ صَلْتِهِ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيَّ الْأَسَاءَةَ أَقْوَى مِنْكَ عَلَيَّ الْأِحْسَانِ، وَلَا يَكْبُرَنَّ عَلَيْكَ ظُلْمٌ مَنْ ظَلَمَكَ، فَإِنَّهُ يَسْعَى فِي مَضْرَبَتِهِ وَنَفْعِكَ، وَلَيْسَ جَزَاءُ مَنْ سَرَّكَ أَنْ تَسُوَّهُ» (نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱).

(ترجمه دکتر آیتی) «وقتی که برادرت را اندرز می‌دهی چه نیک و چه ناهنجار، سخن از سر اخلاص‌گویی و خشم خود اندک اندک فرو خور که من به شیرینی آن شربتی نوشیده‌ام و پایانی گواراتر از آن ندیده‌ام. با آن‌که، با تو درشتی کند، نرمی‌نمای تا اونیز با تو نرمی کند. با دشمن خود احسان کن که آن شیرین‌ترین دو پیروزی است، انتقام و گذشت. اگر از دوست خود گسستن خواهی، جایی برای آشتی بگذار که اگر روزی بازگشتن خواهد، تواند. اگر کسی درباره‌ی تو گمان نیک برد، تو نیز با کارهای نیک خود گمانش را به حقیقت پیوند. به اعتمادی که میان شماست، حق دوستت را ضایع مکن، زیرا کسی که حق او را ضایع کنی، دیگر دوست تو نخواهد بود. با کسانت چنان کن که بی‌بهره‌ترین مردم از تو نباشند». همچنین موعظه باید در خفا و به صورت خصوصی به فرد گفته شود تا بهتر مورد قبول قرار گیرد و باعث ناراحتی و عدم اعتماد به نفس در فرد نشود مگر مواعظی که به‌طور عموم و کلی القا می‌شود و فرد خاصی مورد نظر نیست؛ و در جایی دیگر نیز می‌فرماید: «مَنْ وَعَظَكَ أَحْسَنَ إِلَيْكَ» (کمپانی، ۱۳۶۲: ۴۱۴). «هر کس تو را پند و نصیحت دهد به تو نیکی نموده است». از این سخن و مطالب بالا برداشت می‌شود که نصیحت و پند هنگامی نیکی محسوب می‌شود که شخصیت مراجعه‌کننده در هنگام مراجعه حفظ شود.

ب. سلام و احوال پرسی: در هر جامعه‌ای افراد جهت برقراری ارتباط صمیمی بین یکدیگر از کلماتی استفاده می‌کنند. در جلسه مشاوره قبل از شروع مشاوره باید برای داشتن رابطه ای بدون ترس و اضطراب اقدام شود یکی از راه‌هایی که در رسیدن به این هدف کمک می‌کند سلام و احوال پرسی است. سلام خود یک فرهنگ پویا و عامل پیوند عاطفی در میان مسلمانان است. سلام نشان‌دهنده‌ی عدم غرور و کبر می‌باشد و همین امر احساس خوبی در مراجع ایجاد می‌کند. قرآن کریم بر حفظ چنین رفتار مطلوب اجتماعی تأکید فراوان دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (النور/۲۷) «ای کسانی که به خدا ایمان آورده‌اید! هر زمان که می‌خواهید وارد خانه کسی بشوید قبلاً با معرفی خودتان اجازه بگیرید و به هنگام ورود بر اهل خانه سلام کنید. این شیوه برای شما بهتر است، شاید که پند گیرید. امام علی(ع) می‌فرماید: فَاِذَا قَدِمْتَ عَلَى الْوَجْهِ فَانزِلْ بِمَائِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ تُخَالِطَ أَيْتَانَهُمْ، ثُمَّ امضِ إِلَيْهِمْ بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ، حَتَّى تَقُومَ بَيْنَهُمْ فَتُسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَلَا تُخَدِّجْ بِالتَّحِيَّةِ لَهُمْ (نهج البلاغه، نامه‌ی ۲۵) «چون به قبیله‌ای برسی بر سر آب آنها فرود آی و به خانه‌هایشان داخل مشو. آن‌گاه با آرامش و وقار به سوی ایشان رو تا به میانشان برسی. سلامشان کن و تحیت گوی و در سلام و تحیت امساک نمایی».

ج. گوش دادن: گوش دادن مهم‌ترین فنی است که مشاور باید در مشاوره به‌کار گیرد زیرا مراجع وقتی ببیند که مشاور با تمام وجود به او توجه می‌کند، احساس رضایت و صداقت کرده و بعد با نهایت دقت به حرف‌های مشاور گوش می‌دهد و در آخر جلسه نتایج بهتری را دریافت می‌کنند. در این خصوص امام علی(ع) بیان داشته: «مُشَاوَرَةُ الْحَازِمِ الْمُشْفِقِ ظَفْرٌ». (کمپانی، ۱۳۶۲: ۴۲۸). «با شخص دوراندیش مهربان، مشاورت کردن پیروزی می‌آورد». با توجه به مطالب فوق می‌توان بیان داشت، یکی از راه‌های هدایت، اطمینان مراجع از مشاور است. طبق سخن امام علی(ع) اگر مشاور از عبرت‌های گذشتگان استفاده کند در واقع تمام نکات - پذیرش، پند دادن، اطمینان دادن، تشخیص، ارائه‌ی صحنه‌ای از زندگی خصوصی، ارائه‌ی صحنه‌ای از زندگی شخص ثالث، افکار ناتمام، آگاهانیدن، تعبیر و تفسیر، هشدار دادن و در نهایت پرسش - را با اطمینان نه با شک و شبهه، بیان و به مراجع انتقال می‌دهد و در این میان با تفسیر شرح وقایع به هشدار پرداخته و طبق پند بیان شده مراجع را آگاهی می‌بخشد و همچنین در خصوص عبرت از گذشتگان امام علی(ع) می‌فرماید: «عِبْرًا مِنْ آثَارِ الْمَاضِيْنَ قَبْلِكُمْ» (نهج البلاغه، ۱۳۸۱: نامه‌ی ۸۳) «در آثار زندگی گذشتگان عبرت‌های پند آموزی برای شما ذخیره شده است».

د. تشویق: مجموعه‌ی فعالیت‌هایی است که مراجع را به ادامه‌ی کارش ترغیب کرده و او را در مسیر پیشرفت و بهبود قرار می‌دهد. تشویق نوعی پاداش است که برای تقویت رفتار مطلوب و ادامه‌ی آن به مراجع ارائه می‌شود. (صدیقی، ۱۳۸۹). امام علی(ع) در خطبه ۲۴۱ یاران را به جهاد تشویق می‌کند و می‌فرماید: «وَ اللَّهُ مُسْتَأْدِيكُمْ شُكْرَهُ وَ مُورَثِكُمْ أَمْرَهُ، وَ مُمَهِّلِكُمْ فِي مِضْمَارٍ مَحْدُودٍ لِيَتَنَازَعَ عَوَا سَبَقَهُ،

فَشَدُّوا عَقْدَ الْمَازِرِ...». (نهج البلاغه، خ ۲۴۱) «خدا شکرگذاری را بر عهده شما نهاده است و امر حکومت را در دست شما گذارده و فرست مناسب در اختیارتان قرار داده است تا برای جایزه بهشت باهم ستیز کنید پس کمربندها را محکم ببندید...»

ه مقاومت (عدم ترس): ایستادگی و سر سختی مراجع در جلسه مشاوره است، که مانع پیشرفت جلسه مشاوره به سوی اهداف تعیین شده می‌شود. این مقاومت ممکن است بر اثر عوامل درونی مثل ترس از حل نشدن مشکل و یا عوامل بیرونی مثل رفتارهای نامناسب مشاور در جلسه مشاوره و عوامل ترکیبی مثل بیماری، خستگی و... باشد (صدیقی، ۱۳۸۹). امام علی(ع) می‌فرماید: «لَا تُشْرِكَنَّ فِي رَأْيِكَ جَبَانًا يُضَعِّفُكَ عَنِ الْأُمُورِ، وَ يُعْظِمُ عَلَيْكَ مَا لَيْسَ بِهٖ عَظِيمٌ» (کمپانی، ۱۳۶۲: ۴۲۸). «نیز با اشخاص ترسو مشورت مکن زیرا تو را از انجام کارها ناتوان سازد و آنچه بزرگ و مهم نیست برای تو بزرگ جلوه دهد».

از قول کارل راجرز<sup>۱</sup> نیز ذکر شده: اگر مراجع شرایط رابطه با درمانگر، را در کلمات و رفتار غیر کلامی و احساس خویش خالص گرداند، درمانگر مراجع را پذیرفته و با وی دلسوزی می‌کند (فیروزبخت، ۱۳۸۸: ۲۰۳). با بررسی این دو موضوع به زیبایی دریافت می‌شود که در سخنان امام علی(ع) شرایط یک مشاور به خوبی توصیف شده است و نیز در نظر راجرز به طور جزئی تر نه به شکل کامل آن چه در نهج البلاغه است قابل مشاهده می‌باشد. از بیانات دیگر امام علی(ع) در خطبه (۹۰) نهج البلاغه می‌توان برداشت نمود که: یک مشاور خوب باید اهل عمل باشد یعنی آن چه را به زبان می‌آورد قبل از مراجع خود، بتواند انجام دهد. در نظر راه حل محور نیز مشاهده شد که درمانگر باید به چیزی که ممکن است انجام گیرد تأکید کند، منظور این است که درمانگر به چیزی که خود او اهل آن باشد تأکید کند. از دیگر سخنان امام علی(ع) که می‌توان به آن اشاره نمود این است که در مورد عاقل فرموده: «که هر کس با عاقلان و خردمندان به مشورت پردازد به حزم و سداد پیروزی یابد». با توجه به مطالب بیان شده می‌توان به این نتیجه رسید که هر اصل صحیحی، که در مشاوره‌ی امروزی وجود داشته باشد به نوعی در سخنان امام علی(ع) یافت می‌شود. در این مقایسه نظرات راهنمایی و مشاوره با نهج البلاغه تمام اصول و پایه‌های نظریات درست را می‌توان در سخنان امام علی(ع) مشاهده نمود

در این قسمت به بررسی برخی از نظرات و سخنان امام علی(ع) پرداخته شد و مشاهده گردید که آنچه در نظرات دانشمندان این علم در دنیای مدرن امروزی وجود دارد به بیانی دیگر و دقت بیشتر در کلام امام علی(ع) می‌توان یافت؛ لذا می‌توان بیان داشت در کلام امام علی(ع) و به ویژه در کتاب شریف نهج البلاغه با شیوه فصیح و بلیغ مطالب ناب مشاوره روبه‌رو می‌شویم که با به‌کارگیری آن‌ها در روابط

روزمه می‌توانیم بهترین رابطه‌ها را ایجاد نماییم. رابطه‌هایی که ما را در رسیدن به هدف اصلی آفرینش که کمال است هدایت می‌کند.

### نتیجه‌گیری

با استناد به آیه کریمه: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (المؤمنون/۱۱۵) می‌یابیم که: در نظام خلقت هیچ پدیده‌ای از جمله انسان بدون حکمت خلق نشده است. از جمله ویژگی‌های خاص و متمایز کننده انسان از سایرین نیز عقل و پویایی عقل اوست. از طرفی دیگر علم و پیشرفت ناشی از این علم که محصول همین عقل است، پیچیدگی‌هایی را برای او به وجود آورده که برای حل آن محتاج مشاورانی آگاه به ابعاد مختلف وجودی او هستیم. در رفع این نیاز، قرآن کریم چون از طرف صانع خبیر و آگاه انسان بوده و معصومین(ع) نیز چون شارح آن قرآن هستند، می‌توانند بهترین مشاوره را انجام دهند. بنابراین تحقیق پیش رو در صدد است از بیانات علی(ع) با استناد به نهج‌البلاغه به‌عنوان یکی از این مشاوران حقیقی راه‌حل‌هایی برای حل مشکل فوق‌الذکر بیابد.

بررسی اجمالی در این گنجینه عظیم معرفتی نهج‌البلاغه محقق را به یافته‌های زیر نائل می‌کند:

- باید مورد مشورت را به نحو مجزا شناخت و نمی‌توان یک نسخه مشورتی برای همه ارائه نمود.
- نمی‌توان خود را در هر سطح علمی و یا مقامی بی‌نیاز از مشورت دانست.
- مشورت دارای فواید زیادی است که از جمله آنها می‌توان پشتیبانی عقل، کاهش اضطراب، ممانعت از پشیمانی، دوری از استبداد رأی، اداره بهتر امور خود و جامعه، دوراندیشی و استفاده از تجربیات دیگران را می‌توان نام برد.
- شایستگی مشورت کسانی هستند که دارایی یک سری ویژگی‌ها از جمله: عقل، علم، عامل به عقل و علم، تواضع، حیاء، عطف و دوراندیشی باشند.
- ناشایستگی مشورت کسانی هستند که واجد ویژگی‌هایی چون: بخل، ترس، آزمندی، خودرأیی، دروغ‌گویی، لجاجت، جهل، بدسابقه‌گی و امثال این‌ها باشند.
- در مسیر وصول به اهداف مشاوره نیز از موعظه و نصیحت، سلام و صمیمیت، تشویق، مقاومت تا وصول به هدف، شجاعت و دیگر اخلاقیات و ابزارهای منطقی و مورد نیاز در این خصوص باید استفاده نمود.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشهای.
- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۷)، ترجمه نهج البلاغه، تهران: انتشارات نشر و پژوهش فرزانه روز.
- الهی قمشهای، مهدی (۱۳۸۶)، قرآن کریم، نوع خط نسخ، چاپ نهم، قم: انتشارات نگارش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، الطبعة الاولى، جلد چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۷۷)، شرح غررالحکم و دررالکلم آمدی، چاپ پنجم، جلد های ۲ تا ۶، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. جعفری، محمدتقی (۱۳۵۸)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. چاپ دوم، جلد سوم، تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- الحرائی، حسن بن علی ابن شیعہ (۱۳۶۶)، تحت العقول، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلامی.
- حسینی بیرجندی، سیدمهدی (۱۳۸۴)، اصول و روش های راهنمایی و مشاور و شغلی، چاپ سوم، تهران: انتشارات رشد.
- حسینی بیرجندی، سیدمهدی (۱۳۸۵)، مشاوره و راهنمایی در تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دشتی، محمد (۱۳۸۱)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ اول، قم: انتشارات دانش هوشیار.
- ریچارد اس. شارف (۱۳۸۸)، نظریه های روان درمانی و مشاوره، ترجمه م فیروز بخت. چاپ پنجم، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- الشریف الرضی، محمد بن الحسن (۱۳۸۷/ق ۱۹۶۷ م). نهج البلاغه، ضبط نصّه و ابتکر فهارسه العلمیة صبحی الصالح، بیروت:
- صدیقی، تکتم (۱۳۸۹)، پایگاه مشاوره، فنون و روش های مشاوره، به نقل از سایت [www.toktame5sadighi.parsiblog.com](http://www.toktame5sadighi.parsiblog.com)
- کمپانی، شیخ محمدحسین (۱۳۶۲)، منتخب العرر ۴۰۰ سخن از سخنان حکیمانه علی (ع) تهران: انتشارات مفید.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، سیری در نهج البلاغه، چاپ اول، قم: ناشر آل طه امین اندیشه و آیین سبز.